

# قراءة (بكل أمر) في سورة القدر ..

## قرائت «بكل امر» در سوره‌ی قدر

كما بينت فيما سبق، حاول بعض المعاندين التشنيع على الدعوة الإلهية رغم وضوح بيناتها بحجج واهية تكشف عن خباثة الطينة وعظم جرأة صاحبها على آل محمد (عليهم السلام)، منها: أنّ السيد أحمد الحسن (عليه السلام) يقرأ الآية في سورة القدر هكذا: (تنزل الملائكة والروح فيها بإذن ربهم بكل أمر) وعليه فهو - وحاشاه - باطل؛ لأنه يقرأ بما يخالف المصحف بطباعة فهد الموجودة بين الناس اليوم؟! بهكذا استدلالات يريد شيعة المراجع وأدعياء العلم إطفاء نور الله.

همان طور که پیشتر بیان کردم، گروهی از مخالفین با وجود دلایل واضح - با استناد به دلایل پوچ و واهی از دعوت الهی بدگویی می‌کنند که از خباثات باطنی و گستاخی جسورانه‌ی آنها نسبت به آل محمد (علیهم السلام) پرده برمی‌دارد. از جمله: سید احمد الحسن (علیه السلام) یکی از آیه‌های سوره‌ی قدر را این گونه قرائت می‌کند: « **تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَ الرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ بِكُلِّ أَمْرٍ** » که این باطل است (در حالی که هرگز این گونه نیست)؛ زیرا قرائت وی با آنچه در قرآن چاپ فهد که امروزه بین مردم متداول و موجود است متفاوت و متعارض می‌باشد! شیعه‌ی مرجع‌گرا و مدعیان علم با تمسک به چنین استدلال‌هایی می‌خواهند نور خدا را خاموش سازند!

و عندما سألته حول هذه المسألة، قال (عليه السلام): (هم يقولون إن أحمد الحسن يقول بقراءة " بكل أمر "، وهذا يخالف النسخة الموجودة المكتوبة الآن، وكل من يخالف النسخة المكتوبة اليوم باطل، أليس كذلك؟

وقتی در این خصوص از ایشان (علیه السلام) سؤال کردم، فرمودند: «اینها می‌گویند احمد الحسن به صورت «**بِکُلِّ أَمْرٍ**» قرائت می‌کند که با نسخه‌ی مکتوب و موجود فعلی ناسازگار است و هر کس که با قرآن مکتوب امروزی مخالفت ورزد بر باطل است؛ آیا این طور نیست؟

إذن، بحسب هذا الاستدلال منهم يكون فقهاء الشيعة الأصوليون كلهم باطل؛ لأنهم يقولون بأعظم من هذا، فقط اذهب إلى كتبهم الفقهية ولن أقول البحث؛ لأنه مليء بالقول بالقرآيات وهذا يرجح هذه القراءة وذاك يرجح تلك القراءة، بل اذهب إلى كتب

## الفتوى (1) في القراءة من كتاب الصلاة عندهم ستجد أنهم يقولون بأن سور القرآن (112) وليس (114)، ويقولون بزيادة بسملتين (2)، إذن فهم يبطلون أنفسهم؛ لأنهم خالفوا النسخة المكتوبة، هذا أولاً.

بنابراین، طبق این استدلال آنها، تمام فقهای اصولی شیعه بر مسیر باطل هستند زیرا آنها به چیزی فراتر از این، عقیده دارند. فقط کافی است سری به کتابهای فقهی آنها بزنی، به تحقیق وسیعی نیاز نیست؛ زیرا این کتابها پر است از مطالبی در تایید قرائت‌های مختلف. یکی، این قرائت را می‌پسندد و دیگری، آن قرائت را. به کتابهای «فتوی‌ها» مراجعه کن<sup>۳</sup> و در باب قرائت، در کتاب نماز می‌بینی که قائل‌اند بر این که قرآن ۱۱۲ سوره دارد نه ۱۱۴ سوره. همچنین به اضافه شدن دو «بسم الله» به قرآن معتقد هستند.<sup>۴</sup> بنابراین آنها خودشان، خویشان را باطل می‌سازند زیرا با قرآن مکتوب مخالفت کرده‌اند؛ این دلیل اول.

## ثانياً: عندك كتاب كفاية الأصول وتعليق المشكيني عليه؛ لأن هذه النسخة يدرسونها في حوزة النجف ويعملون بتعليقتها. يوجد كلام في الكفاية عن حجية ظاهر

1. قال العلامة الحلي: (الضحى وألم نشرح سورة واحدة لا تفرد إحداهما عن الأخرى في الركعة الواحدة، وكذا الفيل وإيلاف عند علمائنا ..) تذكرة الفقهاء/ مسألة 233، وقال السيد الخوئي: (سورتا الفيل والإيلاف سورة واحدة، وكذا سورتا الضحى وألم نشرح، فلا تجزئ واحدة منهما، بلا بلاد من الجمع بينهما ..) منهاج الصالحين / مسألة 605، وكذا غيرهم من الفقهاء .

2. قال المحقق الحلي: (الثالثة: روى أصحابنا أن الضحى وألم نشرح سورة واحدة. وكذا الفيل وإيلاف. فلا يجوز إفراد إحداهما من صاحبتهما في كل ركعة. ولا يفترق إلى البسمة بينهما على الأظهر) شرائع الإسلام: ج 1 ص 66، وكذا ابن فهد الحلي، إذ قال: (الثانية: الضحى وألم نشرح سورة واحدة، وكذا الفيل والإيلاف، وهل تعاد البسمة بينهما؟ قيل: لا، وهو الأشبه) المهذب البارع: ج 1 ص 365.

قال المحقق في المعبر: (ان كانتا سورتين فلا بد من مراعاة البسمة، وان كانتا سورة واحدة فلا إعادة للاتفاق على انها ليست آيتين من سورة واحدة).

وقال الشهيد الأول وهو يتحدث عن القران والجمع بين السور: (وفي القران قولان؛ أقربهما الكراهية، إلا في سورتى الضحى وألم نشرح، وسورة الفيل وإيلاف، وتجب البسمة بينهما، ولو جعلناهما سورة واحدة لم تجب البسمة على الأشبه) الدروس: ج 1 ص 173. وواضح قول الفقهاء المعاصرين جميعاً تقريباً على أنها سورة واحدة.

۲ - علامه حلی می گوید: «الضحى و الم نشرح یک سوره هستند و در یک رکعت، یکی بدون دیگری نمی‌آید. همین طور است سوره‌ی الفیل و لایلاف، از دید علمای ما ...» تذکره الفقهاء: مساله 233. همچنین سید خوبی می‌گوید: «دو سوره‌ی فیل و ایلاف یک سوره هستند، همچنین دو سوره‌ی الضحی و الم نشرح؛ و قرائت یکی از آنها مجاز نیست، بلکه باید آنها را با هم جمع کرد ....» منهاج الصالحین: مساله 605 و نظایر آن از سایر فقها.

۴ - محقق حلی می گوید: «سوم این که اصحاب ما روایت کرده‌اند که الضحی و الم نشرح یک سوره هستند. همچنین است فیل و لایلاف. لذا در یک رکعت نمی‌توان فقط به قرائت یکی از این دو بسنده کرد؛ و ظاهر آن است که خواندن بسم الله بین این دو لازم نیست.» شرایع الاسلام: جلد 1 صفحه 66. ابن فهد حلی نیز می‌گوید: «دوم این که الضحی و الم نشرح یک سوره هستند. همچنین فیل و لایلاف. آیا بسم الله بین این دو می‌آید؟ گفته می‌شود: خیر، و این اشبه است.» مهذب البارع: جلد 1 صفحه 365. محقق در المعبر می‌گوید: «اگر اینها دو سوره باشند، باید بسم الله را قرائت کرد و اگر یک سوره باشند، نیازی به تکرار بسم الله نیست زیرا اتفاق بر این است که دو آیه از یک سوره به شمار نمی‌رود.»

شهید اول به هنگام سخن گفتن درباره‌ی قرآن و جمع بین سوره‌ها می‌گوید: «در خصوص قرآن دو قول وجود دارد که نزدیک‌ترین آنها قول به کراهت است؛ مگر در دو سوره‌ی الضحی و الم نشرح، و سوره‌ی فیل و لایلاف. و خواندن بسم الله بین این دو واجب است. اگر این دو را یک سوره در نظر بگیریم، اشبه آن است که بسمله واجب نیست.» درس جلد 1 صفحه 173. واضح است که تقریباً همه‌ی فقهای معاصر بر این قول‌اند که آنها یک سوره به شمار می‌روند.

القرآن، هل مر عليك سابقاً؟ هل قرأت كلام صاحب الكتاب وتعليق المشكيني عن مسألة تحريف القرآن؟ اقرأه ستجد أن صاحب الكتاب يرجح التحريف، والمشكيني يؤكد التحريف بالاعتبار والأخبار. والأخبار معروفة، والاعتبار يقصد به الخلل في البلاغة والانقطاع في الكلام والخلل في النحو.. الخ.

دليل دوم: كتاب «كفايت الاصول» و تعليق مشكيني بر آن را شما داريد؛ زيرا اين كتاب در حوزه‌ی نجف تدریس می‌شود و به تعليق و حاشیه‌ی آن، عمل می‌کنند. در کتاب کفايت الاصول، سخنی در باب حجیت ظاهر قرآن وجود دارد، آیا قبلاً به این مطلب برخورده‌ای؟ آیا کلام نویسنده‌ی کتاب و تعليق مشكيني در خصوص تحريف قرآن را خوانده‌ای؟ آن را بخوان تا دریابی که نویسنده‌ی کتاب، تحريف را ترجیح می‌دهد و مشكيني هم با استناد به «اعتبار» و «اخبار» بر تحريف قرآن تاکید می‌ورزد. در این خصوص، اخبار معروفی وجود دارد. منظور از «اعتبار» هم نقص در بلاغت، گسست در کلام، ایرادات نحوی و نظایر آن است.

فهؤلاء علماء علماءهم وكبار فقهاءهم الأصوليون يقولون بالتحريف ويصرحون به، أما نحن فقد قلنا لهم فقط اعتبروا قراءة أهل البيت (عليهم السلام) كالقراءات السبعة الأخرى المقبولة عندكم، فما هي المشكلة؟!

اینها علما و فقهای بزرگ اصولی هستند که به تحريف معتقدند و به آن تصريح می‌کنند ولی ما فقط به ایشان گفته‌ایم که کافی است قرائت اهل بیت (علیهم السلام) را همدیگر دیگر قرائت‌های هفت‌گانه که مورد قبول‌تان است قرار دهید؛ پس مشکل چیست؟!

والله، قلت لوهابي يوماً: اعتبروا قراءة أهل البيت كالقراءات السبعة الأخرى التي تقرأونها، فسكت ولم يرد وقبل قولي، فما بال هؤلاء؟! مع أنّ هذا الوهابي كان يقول إن أهل البيت يقولون بتحريف القرآن ويحتج، ولكن هؤلاء أعماهم الحسد فلا يكادون يفقهون قولاً).

به خدا سوگند روزی به یک وهابی گفتم: قرائت اهل بیت (علیهم السلام) را نیز مانند قرائت‌های هفت‌گانه‌ی دیگر که می‌خوانید، حساب کنید. وی ساکت شد، پاسخی نگفت و سخنم را قبول کرد. اینها را چه شده؟! با این که این وهابی می‌گفت اهل بیت قائل به تحريف قرآن هستند و بر آن دلیل می‌آورد، ولی اینها را حسد کور کرده و هیچ سخنی را نمی‌فهمند (لا يكادون يفقهون قولاً)».

وسألته حول القراءات السبعة والأحرف السبعة، وأن أحد الذين ناظروا الأنصار - وهو أحد شيوخ المرجعية وأبواقهم - احتجّ برد الأئمة على من قال بالأحرف السبعة من أبناء العامة، وبهذا فهو يقول بأن القول بالقراءات السبعة باطل.

من از ایشان درباره‌ی قرائت‌های هفت‌گانه و حروف هفت‌گانه پرسیدم و گفتم یکی از کسانی که با انصار مناظره می‌کرد یکی از شیوخ مرجعیت و از سخن‌گویان آنها بود، به فرمایش ائمه مبنی بر مردود شمردن یکی از سنی‌ها که به حروف هفت‌گانه قائل بود، استدلال کرد و می‌گفت بر این اساس، اعتقاد به قرائت‌های هفت‌گانه باطل است.

**فقال (عليه السلام): (هذا لا يفرق بين قول الناس بالقراءات السبعة، وقولهم الآخر إن القرآن نزل بسبعة أحرف. السنة يقولون بحسب روايات عندهم أن القرآن نزل بسبعة أحرف (5)، يعني يقولون: يجوز أن تقرأ بدل العزيز الرحيم العزيز الحكيم وهكذا، وهذا رده أهل البيت (عليهم السلام) وقالوا: إن القرآن واحد نزل من عند واحد، وهذا لا علاقة له بالقراءات السبعة.**

ایشان (علیه السلام) فرمود: «در واقع، بین اعتقاد مردم به قرائت‌های هفت‌گانه، و سخن دیگر ایشان که می‌گویند قرآن بر هفت حرف نازل شده تفاوتی وجود ندارد. اهل سنت بر حسب روایاتی که دارند می‌گویند قرآن با هفت حرف نازل شده است<sup>۵</sup>؛ یعنی می‌گویند جایز است که به جای العزیز الرحیم، بخوانی العزیز الحکیم و غیره. اهل بیت (علیهم السلام) این موضوع را رد کرده و گفته‌اند: قرآن، یکی است که از سوی خدای واحد نازل گشته است؛ و این، ربطی به قرائت‌های هفت‌گانه ندارد.

**فالقراءات السبعة متأخرة عن قولهم بالأحرف السبعة، وسببها أي القراءات السبعة: إنهم بعد جمع عثمان الناس على مصحف واحد - أي رسم واحد - وليس قراءة واحدة؛ لأنه لم يكن فيه تنقيط ولا حركات ولا همز، قرؤوا الرسم بصور متعددة بحسب ما يتصور كل قارئ فكثرت القراءات، وكان في العهد الأموي أن السلطة الأموية وحدت الناس على قراءة القراء المعترين عند الناس وعند السلطة، ورفضوا أن ينسخ أو يقرأ المصحف - بالنقط والحركات والهمز - بالقراءات الأخرى، فقبلوا سبعا ورفضوا الأخرى، ولديك تاريخ القرآن، فاحتجوا عليهم بالكتب وما موجود عندهم وما كتب في كتب تاريخ القرآن.**

(داستان) قرائت‌های هفت‌گانه، نسبت به اعتقادی که آنها به حروف هفت‌گانه دارند، عقب‌تر

5. انظر: صحيح البخاري: ج 3 ص 91، صحيح مسلم: ج 2 ص 202، مسند احمد: ج 1 ص 24، وغيرها الكثير.

۶ - صحيح بخارى: جلد 3 صفحه 91 ؛ صحيح مسلم: جلد 2 صفحه 202 ؛ مسند احمد: جلد 1 صفحه 24 و بسيارى ديگر.

است. این قرائت‌های هفت‌گانه پس از آن ظهور کرد که عثمان مردم را بر یک قرآن جمع کرد یعنی بر یک رسم الخط - و نه بر یک قرائت واحد - زیرا قرآن (عثمان) نقطه، اعراب و همزه نداشت. هر قاری، بر اساس تصور خود، رسم الخط را به صورت‌های مختلفی قرائت می‌کرد و به همین دلیل، قرائت‌ها متعدد شد. در زمان حکومت بنی امیه، امویان از یک سو مردم را به قرائت قاریانی که بین مردم و حکومت اعتبار داشتند، وحدت بخشیدند، و از سوی دیگر از نسخه برداری و قرائت قرآن با نقطه و اعراب و همزه با قرائت‌های دیگر، مانع می‌شدند.

**والقراءات السبعة كلها كانت شائعة في زمن الأئمة (عليهم السلام) ويكتب بها جميعاً المصحف ويقرأ بها جميعاً، فقول الإمام ع: اقرؤوا كما يقرأ الناس، يعني: بالقراءة التي يقرأ بها الناس وهي سبع قراءات أو أكثر وليس واحدة، وإلى اليوم من لديه معرفة بالقراءات السبعة يقرأ بها جميعاً مثل عبد الباسط، فهو يقرأ بالقراءات السبعة وإذا وصل إلى كلمة فيها قراءتين أو ثلاث يقرأها أكثر من مرة وكل مرة بقراءة).**

پس هفت قرائت را پذیرفتند و دیگر قرائت‌ها را رد کردند. تاریخ قرآن را شما دارید. با کتب و آنچه نزد خود آنها است و با آنچه در کتاب‌های تاریخ قرآن نوشته شده، بر آنها احتجاج کنید. در زمان ائمه (علیهم السلام) همه‌ی قرائت‌های هفت‌گانه رایج و شایع بودند و قرآن با همه‌ی آنها نوشته و قرائت می‌شده است. این سخن امام ع که می‌فرماید: آن گونه بخوان که مردم قرائت می‌کنند، یعنی با قرائتی که مردم آن گونه می‌خوانند، که همان هفت قرائت یا بیشتر بوده، و نه (فقط) یک قرائت. امروزه، کسانی که به این قرائت‌های هفت‌گانه آشنایی دارند، قرآن را با تمام آنها قرائت می‌کنند، مثل عبدالباسط که قرآن را با قرائت‌های هفت‌گانه می‌خواند و هرگاه به کلمه‌ای می‌رسید که دارای دو یا سه نوع قرائت بود، آن را بیش از یک بار و هر بار نیز با یک قرائت تلاوت می‌نمود.»

**ثم طلب (عليه السلام) من أحد الأنصار إلقاء محاضرة في هذا الشأن، يتم فيها الرد على هذا الجاهل وتفنيده شبهته القائمة على أن كل من قال بشيء يخالف النسخة المطبوعة اليوم - أعني طبعة فهد - فهو باطل؛ لأنه قائل بالتحريف.**

سپس ایشان (علیه السلام) از یکی از انصار خواست با ترتیب دادن سخنرانی و گفت و گویی در این مورد، به این جاهل پاسخ و شبهه‌ی او را بر باد دهد؛ شبهه‌ای که می‌گوید هر کس بر خلاف نسخه چاپ شده‌ی امروزی (یعنی قرآن چاپ فهد) چیزی بگوید، سخنش باطل است زیرا چنین کسی قائل به تحریف قرآن است.

**وقال (عليه السلام) له: (في المحاضرة بين ان فقهاء الشيعة كلهم يقولون ان الضحى والشرح سورة واحدة، ولا يجوز قراءة واحدة منها في الصلاة ولا تجزي (7)، وائتي بأرائهم.**

ایشان (علیه السلام) به آن شخص فرمود: «در سخنرانی، بیان کن که همه‌ی فقهای شیعه می‌گویند الضحی و الشرح (انشرح) یک سوره به حساب می‌آیند و قرائت یکی از آنها در نماز جایز نیست و کفایت نمی‌کند؛<sup>۸</sup> نظرات خود آنها را ارائه کن.

### **وائتي بروايات أهل البيت (عليهم السلام) في ذلك أيضاً (9).**

همچنین به روایات اهل بیت (علیهم السلام) در این خصوص نیز اشاره نمود.<sup>۱۰</sup>

**وأيضاً الرابط بين الضحى والشرح، فهي واضحة أنها ليست سورة بل مكملة للضحى، يعني أن الله في نهاية الضحى يقول: وأما بنعمة ربك فحدث، ما هي هذه النعمة ولماذا يحدث بها؟ ألم نشرح لك صدرك ووضعنا عنك وزرك ..، وأيضاً سورتي الفيل وقریش سورة واحدة.**

علاوه بر این، ارتباط بین سوره‌ی ضحی و انشرح را نیز تشریح کن؛ واضح است که سوره‌ی انشرح یک سوره‌ی مستقل نیست بلکه مکمل سوره‌ی ضحی می‌باشد؛ یعنی خداوند در پایان سوره‌ی ضحی می‌فرماید: «(و از نعمت پروردگارت سخن بگو)؛ این نعمت چیست و چرا باید از آن سخن بگوید؟» (آیا سینه‌ات را برایت نگشودیم؟ و بار گرانت را از پشتت برنداشتیم؟)». همچنین دو سوره‌ی فیل و قریش نیز یک سوره محسوب می‌شوند.

<sup>7</sup> راجع ما تقدم ص 22 / الهامش للتعرف على عدم الجواز، وهو أمر معروف بين المتأخرين جميعاً.

<sup>۸</sup> - برای آشنایی با عدم جواز، به آنچه که در حاشیه‌ی صفحه‌ی 34 گذشت مراجعه کنید. عدم جواز، مسأله‌ای معروف بین تمام متأخرین است.

<sup>9</sup> روی زید الشحام، قال: (صلى بنا أبو عبد الله (عليه السلام) الفجر، فقرأ الضحى وألم نشرح في ركعة الواحدة) التهذيب: ج2 ص72 ح 266، وروى المفضل عنه (عليه السلام)، سمعته يقول: (لا تجمع بين سورتين في ركعة واحدة، الا الضحى وألم نشرح، وسورة الفيل ولايلاف قریش) مجمع البيان: ج 10 ص 544، المعتمد: ج 2 ص 188.

<sup>۱۰</sup> - زید الشحام روایت کرده و گفته: «ابوعبدالله امام جعفر صادق (علیه السلام) نماز صبح را با ما خواند و آن حضرت الضحی و الم نشرح را در یک رکعت قرائت نمود». تهذيب: جلد 2 صفحه 266.

«روایت کرده که فرمود مفضل از آن حضرت (علیه السلام) در یک رکعت دو سوره را جمع نکن، مگر الضحی و الم نشرح، و سوره‌ی فیل و لایلاف قریش را مجمع البيان: 10 : 544 و معتبر: 2 : 188 .»

وإذا أردت أن تكتفي فقط بقول فقهاءهم لكي لا يتشتت المستمع؛ فالناس لا يكادون يسمعون، لعلهم يسمعون القليل. ثقفوهم، عرفوهم، على الأقل فلتكن عند الناس معلومات ومعرفة لعلهم يلتفتون إلى خداع هؤلاء في يوم من الأيام فينجون بأنفسهم).

اگر بخواهی فقط به سخنان فقهایشان بسنده کنی (با این هدف) که مبادا شنونده دچار تشتت فکری شود، مردم کمتر به شنیدن، رغبت نشان می دهند. آنها را پیورانیید و آموزش دهید. حداقل، مردم از معلومات و معرفتی بهره مند می شوند و چه بسا روزی متوجه فریب کاری آنها بشوند و خود را نجات دهند».

## الفهرس

فهرست

الإهداء .

تقديم :

تقديم .

پیش گفتار

**المحطة الأولى :** ما يتعلق بالقرآن الكريم .

ایستگاه اول: مسایل مربوط به قرآن کریم

وقفه مع نصوص المسلمين ومقارنتها بما بين أيدهم من القرآن اليوم .

درنگی در متون موجود بین مسلمانان و مقایسه‌ی آن با قرآنی که امروزه در اختیار دارند....

قراءة ( بكل أمر ) في سورة القدر .

قرائت «بكل امر» در سوره‌ی قدر